



# دغدغه‌ای به نام تربیت اخلاقی

دکتر محمد حسنی

عضو هیئت علمی پژوهشکده برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی

## // چشم‌انداز //

مدت‌هاست

که به موضوع تربیت

اخلاقی علاقه‌مند شده‌ام. اما به

دلیل دغدغه‌های ذهنی دیگر مانند ارزش‌یابی

کیفی توصیفی و فلسفه تربیت کمتر به آن پرداخته‌ام یعنی آن طور که باید و شاید با این

موضوع درگیر نشده‌ام. سال گذشته در گروه پژوهش در مبانی برنامه‌های درسی موسسه

پژوهشی برنامه‌ریزی درسی نشست علمی تربیت اخلاقی را برگزار کردم. مباحث خوبی

در این زمینه پیش آمد و نکات قابل توجهی در حین مباحث مطرح گردید. از آن به بعد

این موضوع بیشترین دغدغه من شده است. امیدوارم که بتوانم بیش از پیش به آن

بپردازم. به نظر من اخلاق و اخلاقی بودن از عناصر اصلی هویت ملی ما ایرانیان است.

حتی قبل از اسلام نیز به این صفت شهره آفاق بوده‌ایم و هنوز در دنیا نزد مردم با این

صفت شناخته می‌شویم. اما آیا ما هم اکنون به سوی تعالی اخلاقی گام برمی‌داریم

یا نه؟ آیا روندهای اجتماعی

موجود به گسترش اخلاق در روابط

اجتماعی افراد منجر می‌شود؟ نظام تربیت

و نهادهای ذی‌ربط دیگر، چه اقدامی در

این باره انجام می‌دهند؟ و ده‌ها پرسش

دیگر از این دست که ذهن من را به خود

مشغول کرده است.

به‌زعم من این موضوع از مسائل

مهم و بهتر بگوییم از چالش‌های آینده

نظام تربیتی خواهد بود. منظورم از نظام

• و ...

این موارد و موارد ناگفته دیگر نشان می‌دهد که ما در ایجاد و برقراری جامعه با اخلاق، از آرمان‌های دین مبین اسلام و انقلاب اسلامی دور مانده‌ایم و شاید که باید بگوییم فاصله داریم. حاکمیت ارزش‌های اخلاقی در روابط بین شهروندان از شاخص‌های سلامت اجتماعی و حتی سعادت اجتماعی محسوب می‌شود. این مقوله از افزایش رفاه نیز مهم‌تر است. افزایش درآمد که بر بستر روابط خوب اجتماعی استوار نباشد به افزایش سطح سلامت و سعادت اجتماعی منجر نمی‌شود. جایی از زبان انسان فهمی خواندم که جوامع بیش از آن که به افزایش درآمد ناخالص ملی احتیاج داشته باشند به افزایش شادی ناخالص ملی نیاز دارند. بی‌تردید منظور از شادی، هوس‌رانی و هوس‌بازی و خوش‌گذرانی نیست. بلکه شادی با نیاز آدمی به جامعه متکی به روابط اخلاقی و اعتدالی معنویت در جامعه ارتباط دارد. این شادی احساس رضایت از زیستن در فضایی است که ارزش‌های معنوی اخلاقی بر آن حاکم است.

بی‌تردید نهادهای زیادی در این راستا مسئول هستند. از مسجد و مدرسه گرفته تا رسانه. به بقیه کاری ندارم؛ می‌خواهم توجه خودم را به نهاد تربیت رسمی و عمومی معطوف کنم و بحث را به این سو بکشانم. واقعیت این است مدرسه یا همان نماینده تمام عیار نظام تربیت رسمی و عمومی اگر نگویم بیش از همه، حداقل کمتر از بقیه در این مورد نقش ندارد. این موضوع به گونه‌ی مطالبه عمومی از مدرسه نیز مطرح است. سال‌ها پیش در دانشگاه اصفهان تحصیل می‌کردم. روزی در مینی‌بوس خط شهرک امیر حمزه شاهد رخداد جالبی بودم که با بحث ما مناسب دارد. مشابه این رخداد را شما در گوشه و کنار این مرز و بوم زیاد دیده‌اید. در این مینی‌بوس که به سوی شهرک در حرکت بود چند دانش‌آموز مدرسه راهنمایی مشغول گفت‌وگو بودند. گفت‌وگوهایشان با صدای بلند و خنده‌های کودکانه همراه بود و اگر چه طبیعی به نظر می‌رسید اما کمی از حد ادب دور شده بود. یکی از مسافران میان سال مینی‌بوس به رفتار این دانش‌آموزان اعتراض کرد و گفت: «مگر شما معلم ندارید که بهتان ادب یاد دهد؟!» من که در آن سال‌ها معلم علوم تجربی مدرسه راهنمایی روستای **خوانسارک** از توابع **پیربکران** هم بودم در دل گفتم: «این‌ها پدر و مادر هم دارند! چرا فقط معلم را مسئول می‌دانید؟» حال فکر می‌کنم که هم من درست فکر کرده بودم و هم این مرد میان سال معترض. به هر حال جامعه از مدرسه مطالباتی دارد و این مطالبه بخش مهمش اخلاق است و هم این که همه نهادها در این زمینه مسئولیت دارند؛ به ویژه خانواده که یکی از ارکان تعلیم و تربیت در جامعه است.

به سخن دیگر، هر چند مسئولیت تربیت اخلاقی احاد جامعه با جمله ما مدرسه نیست اما فی الجمله در این مورد مسئولیت دارد. یعنی مدرسه نمی‌تواند نسبت به اخلاق و تربیت اخلاقی بی‌تفاوت باشد. شاید بتوان گفت که یکی از انتظارات و مطالبات عمده و اساسی از مدرسه همین است. کافی است به مجموعه اهداف آموزش و پرورش که بیش از ده سال پیش در شورای عالی آموزش و پرورش به تصویب رسیده است، نگاهی گذرا بکنید. خواهید دید که اهداف اخلاقی بخش مهمی از مجموعه اهداف را تشکیل می‌دهد. اگر چنین است این نیز پرسش مهمی است که در رابطه با تربیت اخلاقی دانش‌آموزان چه اقداماتی صورت می‌گیرد؟ تا چه حد در تجربیات زندگی مدرسه‌ای دانش‌آموزان تجربیات اخلاقی سازنده وجود دارد؟ تا چه میزان تربیت اخلاقی جزو اولویات و محورهای فعالیت‌های تربیتی به شمار می‌رود؟ آیا به همان میزان که نمره و درصد قبولی، کلاس‌های تقویتی، کلاس‌های زبان و فوق برنامه، کلاس‌های تست‌زنی و آمادگی برای آزمون ورودی به مدارس تیزهوشان، مدارس نمونه دولتی، مسابقات علمی و کنکور دغدغه است تربیت اخلاقی نیز اهمیت دارد؟ باز نمی‌خواهم نگاه بدبینانه را دنبال کنم. در این‌جا نیز ناچارم به این واقعیت اشاره کنم که بر اساس پژوهشی که اخیراً انجام گرفته است حتی در برنامه‌های درسی تدوین شده که در مدارس مورد تأکید و اهتمام است، نزدیک به ۳۰٪ اهداف اخلاقی مصوب شورای

تربیتی، نظام آموزش و پرورش نیست، بلکه کل نهادها و سازمان‌هایی است که در تعالی تربیت جامعه نقش دارند. شواهد نشان می‌دهد که جامعه ایران در سال‌های آینده بیش از هر چیز دیگری به انسان‌ها یا به عبارتی شهروندان متخلق به ارزش‌های اخلاقی نیاز دارد. در جایی نتایج پژوهشی را می‌خواندم که نظرات جوانان را درباره مسائل اخلاقی آینده جامعه ایرانی جویا شده بود. شواهد نشان می‌داد که جوانان نسبت به آینده اخلاقی جامعه بدبینانه قضاوت می‌کردند. واقعی یا غیر واقعی این آینده‌نگری بدبینانه نشان می‌دهد که شرایط حاضر جامعه به لحاظ اخلاقی از منظر جوانان امیدبخش نیست. مسائل و چالش‌های برجسته اجتماعی و فرهنگی جامعه کنونی ایران نشان از این نیاز جدی دارد. برای نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- گسترش دامنه بزه‌کاری به ویژه در نوجوانان،
- افزایش نابسامانی‌های خانوادگی مانند طلاق،
- افزایش اعتیاد به ویژه در جوانان و نوجوانان،
- کاهش جایگاه و ارج خانواده،
- کاهش نقش و ارج والدین و به اصطلاح بزرگ‌ترها در خانواده،
- افزایش فرار از خانه،
- افزایش آلودگی و نابودی محیط زیست،
- گسترش بیماری‌هایی چون ایدز (که ریشه در مناسبات نادرست دارد)،
- گسترش دامنه تقلب، کلاه برداری و فریب‌کاری در روابط اجتماعی افراد که این خود موجب افزایش بی‌اعتمادی بین افراد جامعه است (یکی از شاخص‌های نشان‌دهنده افول این سرمایه اجتماعی، کاهش فروش نسبه در بازار است)،
- کاربردهای نادرست و غیراخلاقی وسایل ارتباطی جدید مانند تلفن همراه،
- بهره‌گیری نادرست و غیر اخلاقی از شبکه تارنمای جهانی (اینترنت)،
- برابری پرونده‌های قضایی موجود در کشور ما با برخی کشورهای پر جمعیت جهان،



## هرچند مسئولیت تربیت اخلاقی آحاد جامعه بالجمله با مدرسه نیست اما فی الجمله در این مورد مسئولیت دارد. یعنی مدرسه نمی تواند نسبت به اخلاق و تربیت اخلاقی بی تفاوت باشد

شرایط موجود می توان نقش تربیت اخلاقی مدرسه را برجسته و تقویت نمود؟ این چیزی است که در ادامه مقاله به اجمال به آن می پردازیم. شاید برخی مدیران و معلمان مانند نگارنده این سطور بر این اولویت نقش مهم و حیاتی مدرسه در تربیت اخلاقی جامعه امروز معترف باشند و خود این بحث کمک کوچکی به آن ها باشد.

اساساً تربیت اخلاقی نتیجه کنش و کارکرد عمومی مدرسه است. یعنی کلیت مدرسه باید در راستای تربیت اخلاقی حرکت کند. تربیت اخلاقی در مدرسه از روش های مختلف صورت می گیرد. به سخن دیگر، تمامی مؤلفه های مدرسه مانند برنامه های درسی مختلف، فعالیت های مکمل و جانبی، مراسم و مناسبت های فرهنگی، رفتار و منش کارکنان، تصمیم گیری ها و داوری ها و جو مدرسه در تربیت اخلاقی کارکرد دارند. از عامل اخیر کمتر در جایی نام برده شده است. اما در سال های اخیر مفهوم جو مدرسه و نقش آن در تربیت دانش آموزان به ویژه تربیت اخلاقی بسیار مورد تأکید قرار گرفته است.

این که جو مدرسه چیست و از چه عناصری تشکیل شده، خود بحث مهمی است که مجال دیگری را می طلبد تا به آن پرداخته شود. به اجمال می توان گفت که جو مدرسه به صورت ضمنی و غیر مستقیم می تواند ارزش های مهمی را به دانش آموزان بنمایاند یا تجاربی را فراهم کند که در آن به کشف و شهود ارزش ها بپردازد. جو مدرسه مفهومی پیچیده است که خود از مؤلفه های مختلفی تشکیل شده، مانند مؤلفه فضای کالبدی مدرسه، فضای اجتماعی و روابط بین افراد و فضای آموزشی مدرسه. به طور کلی این درکی است که دانش آموزان از مدرسه دارند. برخی دیگر به این سه مؤلفه، مؤلفه فضای عاطفی را نیز افزوده اند. فضای کالبدی مدرسه ناظر به چگونگی مبلمان و نمای ظاهری کلاس ها و مدرسه مربوط می شود. فضای کالبدی می تواند جذاب، آرامش دهنده و یا کسل کننده باشد. مؤلفه اجتماعی به کیفیت روابط بین افراد مدرسه مربوط می شود. روابط می تواند منصفانه یا ناعادلانه باشد. فضای آموزشی ناظر به کیفیت فرایند یادگیری در مدرسه مربوط می شود. مثلاً این فضا می تواند رقابتی و یا رفاقتی و همیارانه باشد.

اگر فضای عاطفی و فضای اجتماعی مدرسه دارای ویژگی های مثبت و سازنده ای باشد، می تواند زمینه رشد اخلاقی دانش آموزان را فراهم آورد و آن ها را به سطوح بالای رشد اخلاقی رهنمون سازد. از موضوعات مرتبط با این رویکرد به سازه «منش مدرسه» می توان اشاره کرد. مراد از مشرب یا منش مدرسه، خصلت و ویژگی اساسی و تأثیرگذار مدرسه است. مثلاً گفته می شود مدرسه رقابتی یعنی مدرسه ای که ویژگی اصلی آن تشدید رقابت درسی بین بچه ها است. در مقابل مدرسه رفاقتی که همواره بر مشارکت و همکاری دانش آموزان در فعالیت های یادگیری تأکید می کند. همچنین مدرسه پذیرا و یا مدرسه دلسوز و دوستدار و مراقب دانش آموزان، منش مدرسه در چگونگی تجارب یادگیری دانش آموزان و فهم و تفسیر این تجارب و آموزه ها تأثیر دارد.

به سخن دیگر، اگر ارزش های اخلاقی در تربیت مدرسه ای و روابط بین افراد مدرسه نمود و ظهور داشته باشد، در واقع ارزش های اخلاقی بخشی از تجربه زیسته زندگی مدرسه ای دانش آموزان خواهد شد؛ آن گاه تربیت اخلاقی عمیق تری رخ خواهد داد. برخی به این نتیجه رسیده اند که چگونگی درک دانش آموزان از جو مدرسه بر بروز یا کاهش رفتارهای نامناسب آنان تأثیر دارد. یعنی در فضای اخلاقی مدرسه دانش آموزان بهتر برای یادگیری تلاش می کنند و آرامش بیشتری دارند. در این فضا مشکلات رفتاری کمتری از ناحیه دانش آموزان ظهور و بروز می یابد.

### جو اخلاقی مدرسه

یکی از مهم ترین جنبه های جو مدرسه، جو اخلاقی است. ما به عنوان معلم کلاس

عالی مد نظر قرار نگرفته است. اگرچه این اهداف صرفاً جزو برنامه های درسی نیستند و کل اقدامات تربیتی مدرسه باید ناظر به این اهداف باشند، اما واقعیت این است که در فعالیت های مدارس نیز اهتمام جدی نسبت به این امر دیده نمی شود. آیا دیده ای که مدارس غیرانتفاعی در تبلیغات خود برای جذب دانش آموز یا به بیان دقیق تر والدین دانش آموز اعلام کنند که اهتمام جدی به اخلاق دارند. بعید می دانم چنین موردی دیده شده باشد. در عوض تا بخواهید به کلاس زبان، کامپیوتر، مسابقات علمی، المپیادها، تست و کنکور توجه دارند. آیا ندیده ای که مدارس پارچه نوشته های بزرگی را بر سر در خود (برای تبلیغ کارگردشان) نصب می کنند که موفقیت تعدادی از دانش آموزان خود را در کنکور و آزمون های درسی دیگر و المپیاد فلان، کسب مدال و رتبه فلان را تبریک می گویند؟ معنی این رفتارها این است که ملاک موفقیت مدرسه همین ها هستند و ملاک های دیگر هیچ. البته استثناء هم وجود دارد. نگارنده در یک جلسه که با برخی مدیران با تجربه و خیره مدارس شهر تهران داشتم، از خانم مدیر دبستانی شنیدم که یک سال را سال تربیت اخلاقی نام نهاده و فعالیت های مدرسه را مدیریت کرده است. خوب این بسیار جالب بود اما با یک گل بهار نمی شود و این دیدگاه ها به ندرت مطرح است؛ به گونه ای که حتی می توان از آن ها چشم پوشید.

چرا این گونه است؟ یافتن پاسخ به این پرسش مجال و فرصت درخوری را می طلبد که در ظرفیت این مقاله نیست. یعنی می توان این پرسش را اینجا در پراکنش نهاد و پرسش دیگری را بر کرسی بحث نشانده؛ این پرسش که چگونه در همین



## یکی از مهم ترین جنبه های جو مدرسه، جو اخلاقی است. ما به عنوان معلم کلاس و مدیر مدرسه این وظیفه اخلاقی را داریم که فضای اخلاقی را در کلاس حاکم کنیم

- فرقی نمی کند دانش آموز باشد یا معلم یا والدین یا کارکنان دیگر مدرسه مانند خدمتگزار - باید مورد احترام باشد. این موضوع در مورد دانش آموزان از حساسیت بیشتری برخوردار است زیرا این امر در تربیت ارزشی و اخلاقی آنان موثرتر است. - به دانش آموزان نشان دهید که به آن ها اعتماد داشته و خوش بین هستید؛ تا حد امکان حرف هایشان را بپذیرید.

- تلاش کنید که همه دانش آموزان، صرف نظر از ضعیف یا قوی بودن (در یادگیری) و تفاوت های خانوادگی و مانند این ها در مدرسه و کلاس پذیرفته شوند و همه را دوست بدارید. یعنی توجه خاصی صرفاً به تعداد محدودی دانش آموز نداشته باشید، به ویژه که این دانش آموزان به اصطلاح درس خوان یا برنده در برخی مسابقات و فعالیت ها نیز باشند.

- فضایی ایجاد کنید که همه دانش آموزان به همدیگر احترام بگذارند و به یکدیگر اعتماد کنند. خودتان دانش آموزان را با احترام صدا کنید و از دانش آموزان نیز بخواهید که دوستانشان را با احترام صدا کنند.

- شرایطی را ایجاد کنید که دانش آموزان یادگیری را وظیفه خودشان قلمداد نمایند، یعنی بپذیرند که یادگیری وظیفه آن هاست و برای آن باید تلاش کنند و احساس مسئولیت نمایند.

- در داورى هایتان نسبت به دانش آموزان منصف باشید. یکی از معیارهای جو اخلاقی، برخورد های منصفانه با عملکرد دانش آموزان و دیگر افراد مجموعه مدرسه است.

پی نوشت

1. School ethos

۲. تعاونوا علی البر و التقوی (ماده ۲)

و مدیر مدرسه این وظیفه اخلاقی را داریم که فضای اخلاقی را در کلاس حاکم کنیم. یعنی شرایطی ایجاد نماییم که در آن ارزش های اخلاقی نمود و بروز یابند، مورد توجه قرار گیرند و به صورت غیر مستقیم یاد گرفته شوند. جو اخلاقی در عین حال که تسهیل کننده یادگیری و عامل رضایت و آرامش دانش آموزان است، خود موجب رشد اخلاقی و درک ارزشی آن ها خواهد شد. این سخن به آن معناست که جو اخلاقی هم هدف است و هم وسیله. برای این که جو مدرسه به سوی یک جو اخلاقی و غنی از ارزش های متعالی توسعه یابد، باید اقداماتی در دو سطح مدرسه و کلاس درس صورت گیرد. این فعالیت ها و اقدامات مؤثر خواهد بود.

- تلاش کنید دانش آموزان در کلاس شما احساس ایمنی و امنیت خاطر داشته باشند. فضایی ایجاد کنید که دانش آموزان با خیال آسوده پرسش هایشان را مطرح کنند. یعنی از پرسش کردن و طرح مسائشان واهمه نداشته باشند. نکته مهم تر این که در محیط مدرسه و کلاس درس نباید هیچ کس به دلیل اظهار نظرش، به ویژه اگر غیر معمول باشد، مسخره گردد. به هر صورت، تحقیر و تمسخر افراد در یک محیط آموزشی پایه های جو اخلاقی را تخریب می کند.

- شرایطی به وجود آورید که دانش آموزان به دلیل اشتباهاتشان مسخره و تحقیر نشوند

براین اساس، دانش آموزان نباید به سبب خطاهایشان در جریان یادگیری تحقیر و توبیخ شوند. درست برعکس، باید از خطاهایشان آگاهی یافته و به آن ها چنان بازخورد داده شود که فرایند یادگیری را تا بهبود و جبران ضعف ادامه دهند. البته از منظر اخلاقی باید فضایی را به وجود آورد که دانش آموزان خود برای شناخت ضعف و قوت فعالیت هایشان راغب باشند و در نتیجه، برای رفع خطاها، آمادگی بیشتری از خود نشان دهند. این تمایل دانش آموزان به شناخت خطا و برطرف نمودن آن، یک صفت اخلاقی پسندیده و در عین حال، عامل اصلی توسعه و بهبود یادگیری ها خواهد بود.

- دانش آموزان در گفت و گو با مدیر، کارکنان و معلم احساس راحتی کنند. باید به حرف هایشان خوب گوش دهید. هنگام گوش دادن به صحبت های آن ها واکنش های احساسی و عاطفی مناسب بدهید.

- فضایی ایجاد کنید که دانش آموزان احساس کنند می توانند به شما اتکا کنند و از شما کمک بخواهند. به درخواست های آن ها اعتنا کنید و طوری واکنش نشان دهید که آن ها حس کنند درخواستشان برایتان مهم بوده است. بر این اساس، باید در مدرسه و کلاس فرهنگی حاکم باشد که دانش آموزان بتوانند از معلم درخواست راهنمایی کنند، نه این که از درخواست کمک شرمند شوند. این همکاری را نیز در بین دانش آموزان گسترش دهید. یک راه این است که مدرسه خود را کمتر رقابتی کنید. یعنی بر رقابت بین فردی دامن نزنید. این اصل قرآنی را در مدرسه خود متجلی سازید که می فرماید «در امور خیر و پرهیزگاری با هم همکاری کنید<sup>۲</sup>». تجربیات همکاری در مدرسه را گسترش دهید تا جو اخلاقی آن هرچه بیشتر متعالی شود. یادگیری و یاددهی از بزرگترین مصادیق امر خیر است و به تعبیری عبادت است. پس مدرسه باید محیط مشارکت و همکاری در یاددهی و یادگیری باشد نه رقابت. به طور کلی در مدرسه و کلاس همکاری همه جانبه را گسترش دهید. (همکاری بین خود دانش آموزان و بین معلم و دانش آموزان و...)

- شرایطی فراهم آورید که تفاوت های فردی (جسمی، ذهنی و...) دانش آموزان موجب تحقیر و تمسخر آنان نشود.

تفاوت یک امر طبیعی بوده و زیبایی خلقت در این تفاوت هاست. هر کس با هر ویژگی و با هر خصوصیت شخصی محترم است. کرامت انسانی هر فرد در مدرسه